دریچه

جهان پس از جنگ اوکراین

تبعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جنگ روسیه و اوکراین ۴گوشه جهان را تحت‌تأثیر قرار داده است

آغاز جنگ اوکراین در ۲۴فوریه سال ۲۰۲۲ تغییرات عمده‌ای در نظم ژئوپلیتیکی جهان پدید آورد؛ اتفاقی که با اثرات و تبعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دیگر بخش‌های جهان همراه بوده است. این تغییرات و صف‌بندی‌های جدید تا جایی پیش رفت که بسیاری از ظهور نظم نوین جهانی و طبقه‌بندی جهان به جهان پیش از جنگ اوکراین و پس از آن سخن می‌گویند.

۱ دگرگونی اتحادهای سیاسی: وقوع جنگ دولت‌ها را به ۳گروه تقسیم کرد: دولت‌هایی که وعده حمایت از اوکراین را دادند، دولت‌های حامی روسیه و دولت‌های بی‌طرف که تمایلی برای ورود به جبهه حامیان روسیه یا اوکراین ندارند. کشورهای اتحادیه اروپا با وجود برخی اختلافات از جمله در حوزه انرژی و اعمال سقف قیمت برای نفت روسیه، با اعمال تحریم علیه مسکو به صف حامیان اوکراین پیوستند. غرب امیدوار بود که کشورهای آسیایی از اوکراین حمایت کنند اما اغلب کشورهای این منطقه با اعلام بی‌طرفی دست رد به سینه غرب زدند و ترجیح دادند که روابط سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود را با مسکو حفظ کنند.

۲ ترسیم خطوط امنیتی جدید: جنگ اوکراین برخی از کشورهای اروپایی از جمله آلمان و فرانسه را به این نتیجه رساند که باید در رویکردهای امنیتی خود تجدیدنظر کنند. آنها برای نخستین‌بار پس از جنگ جهانی دوم، در خلال جنگ اوکراین بودجه‌های دفاعی خود را به‌طور قابل توجهی افزایش دادند و بر مستقل شدن امنیتی اروپا از آمریکا تأکید کردند. تغییراتی که در حوزه بودجه دفاعی اروپا پس از جنگ اوکراین اتفاق افتاد در واقع روندی را تسریع کرد که اروپایی‌ها مدت‌ها بود به آن فکر می‌کردند اما برای اجرایی کردنش شک و تردید داشتند.

۳ بازگشت تهدید هسته‌ای: از زمان پایان جنگ سرد و پیمان‌های کنترل تسلیحات آمریکا و روسیه، تهدید وقوع جنگ هسته‌ای کمرنگ شده بود. با این حال جهان از سال گذشته شاهد جدی شدن خطر درگیری هسته‌ای بوده است. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، بارها با هشدار نسبت به حمایت کشورهای غربی از اوکراین و ارسال تسلیحات پیشرفته به این کشور وقوع یک جنگ هسته‌ای را ممکن دانسته است. او دیروز نیز پیمان کاهش سلاح‌های هسته‌ای با آمریکا موسوم به «استارت نو» را به حالت تعلیق در آورد.

۴ بحران انرژی و امنیت غذایی: درگیری روسیه و اوکراین به‌عنوان ۲تامین‌کننده اصلی انرژی، غذا و کود در جهان باعث اختلال عرضه این محصولات در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته شده است. در این میان اساسی‌ترین تغییر دور شدن اروپا از وابستگی به گاز روسیه بود. «آنتونی فروگات» یکی از کارشناسان چتم‌هاوس می‌گوید: «اروپا دیگر هیچ‌گاه به شرایط قبل از جنگ و وابستگی به انرژی فسیلی روسیه باز نمی‌گردد. حتی اگر جنگ همین فردا تمام شود، اعتماد از دست رفته میان مصرف‌کنندگان اروپایی و روسیه بازنخواهد گشت. این رابطه از هم گسسته، دیگر هرگز مثل قبل نمی‌شود.» جنگ اوکراین امنیت غذایی جهان را نیز هدف قرار داد. گذشته از افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی و مواد غذایی در اروپا و آمریکا، کشورهای مختلف در اقصی نقاط جهان نیز از موزامبیک و نیجریه در آفریقا گرفته تا کشورهای آسیایی که به‌دلیل اختلال در زنجیره تامین با افزایش قیمت مواد غذایی روبه‌رو شدند، خود را در میانه جنگ شرق و غرب دیدند. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش سالانه «خطرات جهانی» برای سال ۲۰۲۳ تأکید کرده که بحران جهانی هزینه زندگی در حال حاضر در بخش‌های مختلف کره زمین دیده می‌شود. نائومی حسین و جفری هالاک، در پژوهشی که برای مؤسسه فردریش ابرت آلمان انجام دادند در این رابطه می‌نویسند: «اگرچه برخی از دولت‌ها تلاش کرده‌اند این تأثیر را مهار کنند، اما سال ۲۰۲۲ جهان شاهد موج بی‌سابقه‌ای از اعتراض‌ها به‌خاطر افزایش تورم، گرانی‌ها و در کل افزایش هزینه‌های معیشت بود که بخش مهمی از آن ناشی از جنگ اوکراین بوده است.»

ویرانه‌های جنگ اوکراین

یک سال جنگ روسیه و اوکراین، هزاران کشته و میلیاردها دلار خسارت روی دست دو طرف گذاشته است

عکس: AP

گزارش ۱
هدیه شیران
روزنامه‌نگار

یک سال پیش که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دستور پیشروی تانک‌های ارتش روسیه به‌سوی مرزهای اوکراین را داد، روند تغییر مناسبات بین‌المللی و پایان حدود ۳۰سال آنچه از آن با عنوان «جهانی شدن» نام برده می‌شد به‌طور رسمی آغاز شد. تبعات این جنگ نه‌تنها قاره اروپا را نشانه رفت که دامن امنیت غذایی جهان و بازارهای انرژی را نیز گرفت و اقتصاد جهان را که هنوز درگیر تبعات همه‌گیری ویروس کرونا بود شوکه کرد.
گرچه هیچ‌یک از طرفین جنگ تمایلی ندارد تا شمار قربانیان نظامی خود را اعلام کند، اما برآوردها حاکی از آن است که در ۱۲ماه گذشته، دست‌کم از میان مردم عادی بیش از ۸هزار نفر کشته و حدود ۱۳هزار نفر زخمی شده‌اند. بیش از ۱۳میلیون نفر هم آواره شده‌اند. در این میان نه‌تنها هیچ نشانه‌ای دال بر عقب‌نشینی کی‌یف یا مسکو و پایان بزرگ‌ترین درگیری نظامی اروپا پس از جنگ جهانی دوم دیده نمی‌شود، که برای نخستین بار پس از چند دهه تهدید درگیری هسته‌ای نیز جدی‌تر از همیشه به‌نظر می‌رسد.

تبعات فلج کننده اقتصادی جنگ برای اوکراین

تبعات جنگ برای اوکراین را در چند عبارت می‌شود خلاصه کرد: بخش زیادی از این کشور به ویرانه تبدیل شده است، میلیون‌ها شهروند در سرما و تاریکی به‌سر می‌برند درحالی که زندگی برای مردم روسیه طبق روال عادی گذشته در جریان است. با این حال، در آستانه ورود جنگ به دومین سال، مشخص شده که تبعات اقتصادی این درگیری دامن هر ۲کشور را گرفته و هر چه جنگ طولانی‌تر شود، فهرست هزینه‌های اقتصادی این جنگ برای ۲کشور طولانی‌تر خواهد شد.
جنگ، اوکراین را تقریبا فلج کرده است به‌طوری که حتی اگر همین امروز درگیری‌ها تمام شود مشخص نیست که بازسازی زیرساخت‌های ویران شده این کشور چقدر زمان خواهد برد. وب‌سایت بلومبرگ گزارش داده که تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۲۲ بیش از ۳۰درصد کاهش یافته که بیشترین کاهش از زمان استقلالش در ۳دهه گذشته است. کسری بودجه سال گذشته اوکراین تقریبا معادل ۲۷درصد از تولید ناخالص داخلی بود که دولت تلاش کرد با کمک‌های خارجی و استقراض‌های سنگین آن را مدیریت کند. تورم در اوکراین به‌طور رسمی ۲۰درصد اعلام شده اما در واقعیت فراتر از ۳۰درصد است که برای قشر آسیب‌پذیر و فقیر اوکراین حتی از این هم بدتر است. برای مثال، قیمت سبزیجات در شهر خرسون که قطب تولید سبزیجات در اوکراین بود تا ۸۵درصد افزایش یافته؛ شهری که صحنه نبردهای سنگین نظامی بوده و بخش زیادی از آن اکنون در کنترل نیروهای روسیه است.
در این میان بانک ملی اوکراین برای کنترل بازار سرمایه و نرخ ارز رویه‌های نظارتی شدیدی را اعمال کرده است. این نهاد مالی در تلاش برای مهار جریان خروج سرمایه، نظام نرخ ثابت ارز را به اجرا گذاشت، بااین حال روند کاهش ارزش پول ملی همچنان ادامه دارد. با وجود افزایش تورم تقریبا هیچ افزایش حقوقی در کار نیست. در این میان مرکز مطالعات شرقی مستقر در ورشو پایتخت لهستان نیز اعلام کرده که نرخ بیکاری در اوکراین در حال حاضر چیزی حدود ۴۰درصد است. با این حال، آنچه فشارهای اجتماعی بر دولت زلینسکی را تعدیل کرده مهاجرت اجباری میلیون‌ها اوکراینی و فراخوان عمومی مردان ۱۸ تا ۶۰ سال برای حضور در میادین جنگ است. با این حال، سیل مهاجرت‌ها و تلفات فزاینده اوکراین در درگیری‌های نظامی نیروهای کار این کشور را نیز به‌شدت تقلیل داده که خطری بالقوه برای اقتصاد آن به شمار می‌رود.

خسارت ۱۲۷میلیارد دلاری به زیرساخت‌ها

درگیری‌های نظامی برای مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی اوکراین تبعات سنگینی داشته است. تقریبا اغلب صنایع سنگین اوکراین در جنوب این کشور متمرکز بودند، یعنی جایی که روسیه از ابتدای جنگ بیشترین پیشروی را در آنجا داشته و بیشترین ویرانی را به بار آورده است. بلومبرگ نوشته، بررسی‌های ۴ماه پیش دانشگاه اقتصاد کی‌یف (KSE) حاکی از آن است که خسارات وارده به جاده‌ها، پل‌ها، خانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و زمین‌های زراعی حدود ۱۲۷میلیارد دلار است. دانشگاه اقتصاد کی‌یف همچنین حجم نابودی دارایی‌های فیزیکی کسب‌وکارهای اوکراینی در طول ۱۲ماه گذشته را ۱۳میلیارد دلار تخمین زده است، درحالی که خسارات غیرمستقیم از جمله بازارهای از دست رفته بیش از ۳۳میلیارد دلار است. صنعت کشاورزی اوکراین در مناطق حاصلخیز جنوبی نیز آسیب‌های جدی دیده است. به‌عنوان مثال، برداشت گندم از ۳۲٫۵میلیون تن در سال ۲۰۲۱ میلادی به ۲۶٫۶میلیون تن در سال گذشته کاهش یافته و تقریبا یک چهارم این محصول را نیروهای روسیه در اختیار گرفتند.
بلومبرگ با اشاره به‌شدت ویرانی‌های به جا مانده از جنگ در اوکراین می‌نویسد: «اغلب متحدان غربی اوکراین خوش‌بینانه معتقدند که روسیه در پایان این جنگ غرامت خسارات به بار آمده در درگیری نظامی را خواهد پرداخت اما واقعیت این است که چشم‌انداز پرداخت چنین غرامتی از سوی روسیه به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای اصلا روشن نیست. در این میان برخی کارشناسان عنوان می‌کنند که می‌توان از دارایی‌های بلوکه شده روسیه در کشورهای غربی برای پرداخت این غرامت استفاده کرد اما این کار نیز مشکلات و چالش‌های حقوقی جدی دارد. علاوه بر این، اجرایی کردن چنین پیشنهادی که اخیرا از سوی کمیسیون اروپا مطرح شده می‌تواند اعتبار نظام مالی جهانی را تهدید کند. آنچه تبعات اقتصادی جنگ در اوکراین را تشدید کرده فساد نهادینه شده در این کشور است که با وجود تلاش‌های دولت زلینسکی برای اطمینان دادن به شرکای خود مبنی بر اینکه قویا در حال مبارزه با آن است همچنان در کی‌یف پابرجاست و دزدی اموال عمومی توسط مقام‌های ارشد این کشور - حتی در بحبوحه جنگ - نیز ادامه دارد.

تبعات اقتصادی جنگ برای روسیه

تبعات اقتصادی جنگ در روسیه نیز تاحدی احساس شده است. براساس ارزیابی‌های بلومبرگ، تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۲۲ میلادی ۳درصد کاهش یافته است. تورم نیز در این کشور ۱۳درصد اعلام شده که البته در مقایسه با افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی در دیگر کشورهای اروپایی و غربی چندان زیاد نیست. کسری بودجه روسیه در سال گذشته میلادی معادل ۲درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور بوده که حتی با وجود محدودیت تحریم‌های اعمال شده از سوی غرب، برای مسکو قابل مدیریت بوده است. نرخ رسمی بیکاری نیز در روسیه از ۴٫۸درصد در سال گذشته میلادی به ۴درصد رسیده است.
بلومبرگ نوشته: این آمارهای رسمی دولت روسیه است که برخی از کارشناسان اقتصادی صحت آن را زیر سؤال می‌برند. چرا که پس از پایان محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری کرونا انتظار می‌رفت که روسیه رشد اقتصادی ۳درصدی داشته باشد، بنا براین آسیبی که به تولید ناخالص داخلی روسیه پس از جنگ وارد شد نزدیک به ۶درصد از کل تولید ناخالص داخلی ۱٫۸هزار میلیارد دلاری این کشور در سال ۲۰۲۱ است. از سوی دیگر، اثرات تحریم‌های گسترده‌ای که علیه روسیه اعمال شده نیز به مرور خود را نشان داده و اقتصاد این کشور را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.
درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز مهم‌ترین بخش درآمد اقتصادی روسیه است که هدف تحریم‌های غرب قرار گرفت. در ماه‌های ابتدایی جنگ که قیمت انرژی در بازارهای جهانی به‌طور قابل توجهی افزایش یافت سود زیادی عاید مسکو شد. اما تأثیر تحریم‌ها و اعمال سقف قیمت برای نفت روسیه در ماه‌های اخیر نمایان شده است. اکنون قیمت نفت خام برنت و نفت اورال روسیه تفاوت معناداری دارد. به گفته مسئولان اقتصادی روسیه، قیمت نفت اورال در ۱۲ماه گذشته ۴۲درصد افت داشته است. درآمدهای نفت و گاز روسیه در بیشتر ماه‌های سال گذشته یک هزار میلیارد روبل (۱۳٫۴میلیارد دلار) بود اما این رقم در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۲ (نوامبر و دسامبر) به کمتر از ۹۰۰میلیارد روبل رسید. درآمد نفت‌وگاز روسیه در نخستین‌ماه سال ۲۰۲۳ میلادی نیز چیزی حدود ۴۲۵میلیارد روبل بوده است.
همزمان با کاهش درآمدهای نفت‌وگاز روسیه، هزینه‌های نظامی این کشور در سال ۲۰۲۲ میلادی با ۲۳درصد افزایش به بیش از ۶۶میلیارد دلار رسیده است. این رقم قرار است که در سال‌جاری میلادی ۶درصد دیگر افزایش پیدا کند.
همانند اوکراین، چشم‌انداز رشد اقتصادی روسیه نیز در سایه تبعات درگیری‌های نظامی قرار گرفته است. روسیه شمار تلفات نیروهای خود در میادین جنگ را ۱۰هزار نفر اعلام کرده است، درحالی که ناظران غربی تأکید دارند که شمار قربانیان بیش از آمارهای اعلام شده است. روسیه نیز مانند اوکراین از زمان جنگ با موج گسترده‌ای از مهاجرت نیروهای متخصص خود روبه‌رو شده است.
بلومبرگ نوشته: سقوط اقتصادی ناشی از ویرانی‌های جنگ برای اوکراین در مقایسه با روسیه بوده وبه قدری گسترده است که اگر تمام جهان غرب برای کمک به کی‌یف وارد میدان شوند و روسیه (به فرض محال) بپذیرد که غرامت بپردازد، بازسازی ویرانی سال‌ها طول خواهد کشید. این در حالی است که خسارت اقتصادی روسیه بیشتر از جانب تحریم‌هاست و نه خرابی‌های جنگ؛ تحریم‌هایی که می‌توانند پس از جنگ و با توافق پشت میز مذاکره لغو شوند. بنا براین به‌لحاظ تئوری احیای اقتصاد روسیه به‌مراتب آسان‌تر است. با این حال در مجموع، واقعیت این است که فارغ از آنچه در میادین جنگ می‌گذرد هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند ادعا کنند که برنده اقتصادی این نبرد خواهند بود. اوکراین و روسیه تا سال‌ها پس از آخرین شلیک گلوله در میدان نبرد، درگیر تبعات اقتصادی این جنگ مرگبار خواهند بود.

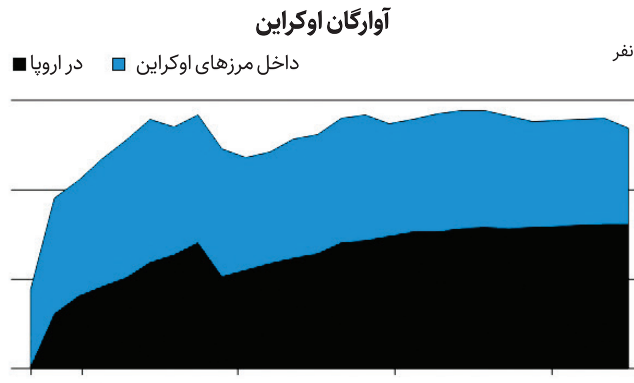

نگاه

تبعات طولانی‌شدن جنگ برای غرب

سیمور هرش، روزنامه‌نگار آمریکایی: جنگ روسیه و اوکراین دیر یا زود به پایان خواهد رسید. پرسش کلیدی این است که ولودیمیر زلینسکی، رئیس‌جمهور اوکراین که یکی از مخالفان سرسخت آغاز مذاکرات برای پایان‌دادن به جنگ است، چه زمانی به مذاکره راضی می‌شود. سؤال این است که او چه تعدادی از مردم خود را قربانی این جنگ خواهد کرد. به اعتقاد من آنطور که حامیان ادامه جنگ در آمریکا، اوکراین و دیگر کشورهای غربی می‌گویند، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، به‌دنبال اشغال اروپا نیست. او مشخصا به‌دنبال رام‌کردن اوکراین است؛ اما تمایلی ندارد که از این فراتر رود. با این حال، می‌دانم کسانی که امروز (در غرب) مثل من فکر می‌کنند، در اقلیت هستند. اما واقعیت این است که تبعات اقتصادی و سیاسی این جنگ برای اروپا و حتی آمریکا وحشتناک خواهد بود. در اروپا کشورهایی هستند که از زمان آغاز جنگ هزینه زیادی برای برق و گاز می‌پردازند و این در بلندمدت نارضایتی‌ها را تشدید خواهد کرد. تهدیدهای سیاسی طولانی‌شدن جنگ روسیه و اوکراین نیز جدی است. به اعتقاد من، احتمال خروج برخی کشورها از پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز وجود دارد.

جنگ اوکراین، جنگ نیابتی

ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا: یک سال از آغاز جنگ روسیه و اوکراین می‌گذرد و هیچ چشم‌انداز صلحی در ماه‌های آینده دیده نمی‌شود، چراکه دولت ولودیمیر زلینسکی بر عقب‌نشینی کامل نیروهای روسیه از تمام خاک اوکراین و دریافت غرامت سنگین از مسکو تأکید دارد؛ درخواست‌هایی که با توجه به شرایط امروز و تأکید دوطرف بر دستیابی به دستاوردهای حداکثری در میدان جنگ، تحققشان بعید به‌نظر می‌رسد. با توجه به شکاف عمیقی که میان خواست‌های طرفین وجود دارد و همچنین تمایل نداشتن طرفین درگیری به سازش، هیچ تغییر قابل توجهی در سال دوم جنگ ایجاد نخواهد شد؛ چراکه اگر دوطرف قرار باشد پای میز مذاکره بنشینند، احتمالا کی‌یف فهرست درخواست‌های خود را بلندتر هم خواهد کرد. جنگ نیابتی امروز میان اوکراین به نمایندگی از کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا با روسیه از سال ۲۰۱۴ شروع شده بود و حمله روسیه یکی از تازه‌ترین فصل‌های این درگیری است. این جنگ با الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه پس از همه‌پرسی سال ۲۰۱۴ شروع شد. حمله سال گذشته فصل جدیدی از رویارویی غرب و روسیه و نقطه اوج آن بوده است.

جنگ اوکراین، دام آمریکا برای روسیه بود

گفت‌وگو
فتانه احدی
روزنامه‌نگار

در فاصله یک‌سالی که از آغاز حمله روسیه به اوکراین گذشته، بسیاری جان باخته‌اند و ویرانی‌های زیادی هم به بار آمده است. با این همه ویرانی، بسیاری می‌پرسند آیا جلوگیری از وقوع این جنگ ممکن بود؟ آیا سیاستمداران اوکراین برای دوری از جنگ اقدام لازم را انجام دادند یا کشورشان را براساس محاسبات غلط به ورطه جنگ کشیدند؟ امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگر مسائل بین‌الملل، مهم‌ترین دلیل شروع این جنگ را برآوردهای اشتباه روسیه، اوکراین و غرب عنوان می‌کند. او می‌گوید که با وجود اشغال ۲۰درصد از خاک اوکراین توسط روسیه، هنوز هم اوکراینی‌ها می‌توانند سرزمین خود را حفظ کنند و بخش‌های از دست رفته را پس بگیرند، البته اگر دغدغه‌های امنیتی روس‌ها پاسخ داده شود.

بسیاری معتقدند که جنگ اوکراین، جنگ غرب علیه روسیه یا به‌عبارت دقیق‌تر، جنگ آمریکا علیه روسیه است. چرا ولودیمیر زلینسکی وارد بازی آمریکا علیه روسیه شد؟
نه می‌توان گفت که این جنگ، صرفا جنگ اوکراین و روسیه است و نه می‌توان گفت که صرفا جنگ نیابتی آمریکا و روسیه است. یعنی اوکراینی‌ها امیدوار بودند بتوانند بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به سمت غرب حرکت کنند؛ مانند روندی که کشورهای سابقا عضو پیمان ورشو یعنی لهستان، مجارستان و چکسلواکی که بعدا ۲کشور شد، بلغارستان، رومانی و کشورهای حوزه بالتیک یعنی استونی، لتونی و لیتوانی به غرب پیوستند و عضو اتحادیه اروپا و ناتو شدند، آنها هم امیدوارند این مسیر را طی کنند و به نهادهای اروپایی بپیوندند. در واقع بخش وسیعی از مردم اوکراین به‌ویژه مردم غرب این کشور می‌خواستند به عضویت اتحادیه اروپا و ناتو درآیند. آنها معتقد بودند که باید از زیر یوغ روس‌ها خارج شوند و به اروپا بپیوندند تا مشکلاتشان حل شود و از رفاه و امکانات غرب برخوردار شوند. این تلاش اوکراینی‌ها در نهایت باعث خشم روس‌ها شد. روسیه چون نمی‌خواست این اتفاق بیفتد، اقدام نظامی انجام داد و در سال ۲۰۱۴ کریمه را ضمیمه خاک خود کرد. در سال ۲۰۲۲ هم به اوکراین حمله کرد و ۴استان دیگر را به قلمرو خود افزود. خب، این یک بخش ماجراست. بخش دیگر ماجرا این است که دعوای بزرگ‌تری شکل گرفته است. آمریکا از همان زمانی که فروپاشی شوروی اتفاق افتاد، روند گسترش ناتو به سمت شرق را آغاز کرد. در چند مرحله کشورهای لهستان و مجارستان و بعد چکسلواکی به عضویت ناتو درآمدند. سپس در سال ۲۰۰۴ سه کشور بالتیک عضو ناتو شدند و در سال ۲۰۰۸ قدم‌هایی برداشته شد که گرجستان و اوکراین به عضویت ناتو در آیند. اینجا بود که مسکو به‌ویژه برای عضویت اوکراین در ناتو مقاومت کرد و این را تهدیدی موجودیتی علیه روسیه دانست. همین باعث شد دست به اقداماتی بزند. بنابراین فارغ از دعوای بین روس‌ها و اوکراینی‌ها، دعوای بزرگ‌تری بین روس‌ها و آمریکا وجود دارد. آمریکا معتقد است که همه کشورها حق دارند وارد ناتو شوند و درهای ناتو به روی همه باز است؛ این ادعایی است که آمریکایی‌ها دارند. روس‌ها معتقدند که گسترش ناتو به سمت شرق تهدیدی امنیتی است و در نهایت این جنگ به‌وجود آمد.

این جنگ خواسته یا ناخواسته برای گرفتار کردن روسیه طراحی شد؛ به قول خودشان برای اینکه دندان‌های روسیه را بکشند و اقتصاد روسیه را زمینگیر کنند. آمریکایی‌ها این جنگ را به‌عنوان یک دام طراحی کردند

آیا زلینسکی روند جنگ را اینگونه پیش‌بینی نکرده بود و به همین دلیل وارد جنگ شد و پیش رفت یا اینکه پیش‌بینی می‌کرد ولی به حمایت آمریکا دلگرم بود؟
در این جنگ چند برآورد اشتباه رخ داد. غربی‌ها معتقد بودند که روسیه حمله نخواهد کرد. چون قبل از آغاز جنگ روسیه را تهدید کرده بودند و فکر می‌کردند که با این تهدیدها پوتین حمله نمی‌کند. روسیه برآورد اشتباه کرد و تصور می‌کرد که اوکراین مقاومت نمی‌کند. تصورش این بود که با لشکرکشی تا پشت دروازه‌های کیف، زلینسکی و کابینه‌اش فرار می‌کنند، حکومت سرنگون می‌شود، کل کشور در اختیار روس‌ها قرار می‌گیرد و جنگ خیلی سریع به پایان می‌رسد. برآورد اشتباه بعدی باز از سمت غرب بود. غربی‌ها تصور می‌کردند که روسیه نتواند جنگ را ادامه دهد. فکر می‌کردند با تحریم‌های اقتصادی و فرستادن کمک برای اوکراین، روس‌ها زمینگیر می‌شوند و شکست را می‌پذیرند.
زلینسکی نیز روی حمایت غرب بیش از اندازه حساب کرده بود. شاید تصور می‌کرد اگر روسیه حمله کند، غرب هم وارد جنگ با روسیه خواهد شد. درحالی که جنگ یک سال طول کشیده و غرب به تازگی قول داده که به اوکراین تانک بدهد که آن هم تا به خط مقدم برسد زمان زیادی خواهد برد. چون تانک‌ها باید تولید و از گوشه و کنار دنیا جمع شوند و به اوکراین برسند. نیروهای اوکراینی باید آموزش ببینند. یا حتی برای جنگنده‌های اف-۱۶ خلبان‌ها باید آموزش ببینند و اینها زمانبر است.
اوکراینی‌ها تصور می‌کردند قوای ناتو در اوکراین مستقر و وارد جنگ مستقیم می‌شوند و شهرهای روسیه را بمباران می‌کنند و روس‌ها را به عقب می‌رانند که این اتفاق هم نیفتاد. بارها زلینسکی گفته که ما تصورمان این بود که متحدانمان زودتر به دادمان برسند و سلاح‌های بیشتری به ما بدهند. برخی معتقدند سلاح‌هایی که غربی‌ها در اختیار اوکراین می‌گذارند، صرفا برای ادامه بقاست نه پیروزی در جنگ. همین که اوکراین بتواند ۸۰درصد باقی‌مانده را حفظ کند، برایش کفایت می‌کند. اینکه آن ۲۰درصد از دست رفته به‌ویژه کریمه را باز پس بگیرد حتی از نظر ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا تردید جدی وجود دارد. از این جهت اوکراینی‌ها یا این جریان ناتوگرای اوکراین به رهبری آقای زلینسکی احساس سرخوردگی دارد و معتقد است که آن وعده‌هایی که داده شده بود، محقق نشده است. در واقع براساس همان وعده‌ها بود که زلینسکی هیچ‌کدام از پیشنهادهای مصالحه پوتین را نپذیرفت و درنهایت این مناقشه به جنگ منتهی شد.

یک‌سال از جنگ گذشته است؛ زیرساخت‌های اوکراین تخریب شده و عده زیادی کشته و آواره شده‌اند. بعد از گذشت یک سال می‌توان تا حد زیادی درباره این شرایط قضاوت کرد. به‌نظر شما زلینسکی به مردم اوکراین خدمت کرده یا خیانت؟
در واقع باید گفت که اشتباهاتی صورت گرفته و می‌شد از وقوع این جنگ جلوگیری کرد. اگر آمریکایی‌ها دغدغه روس‌ها را می‌پذیرفتند و جریان ناتوگرا در اوکراین به مخاطرات زندگی در همسایگی کشوری مانند روسیه پی برده بود و تلاش می‌کرد به جای اینکه اصرار کند به یک ائتلاف نظامی غربی بپیوندد، مسیر بی‌طرفی را در پیش گیرد و یا توازنی بین مناسبات خود از یک سو با مسکو و از سوی دیگر با واشنگتن و بروکسل برقرار کند، امکان مصالحه وجود داشت. اما جریان ناتوگرای اوکراین تصمیم گرفت به هر قیمتی حتی به قیمت رفتن به دهان شیر به غرب بپیوندد، درحالی که غرب هم از آن استقبال نکرد. همه دعواها بر سر این بود که اوکراین عضو ناتو بشود یا نشود. اکنون بعد از یک سال، زلینسکی اعلام کرده که ما نمی‌خواهیم عضو ناتو شویم و ناتو نیز اعلام کرده که نمی‌خواهیم اوکراین را به عضویت بپذیریم. اوکراین از اینجا رانده و از آنجا مانده شده است. اگر این همه خسارت و این همه تلفات و نابودی زیرساخت‌ها منجر به عضویت اوکراین در ناتو شده بود، شاید می‌توانستند بگویند که ارزشش را داشت، اما اکنون جنگ روی دست مردم اوکراین مانده است و اوکراین هم عضو ناتو نشده است؛ در حقیقت از دو طرف ضرر کرده است. اما در مورد شخص زلینسکی، معتقدم که او به‌عنوان یک فرد سیاسی و فرمانده جسارت و شهامت ایستادگی در برابر ارتش روسیه را داشت. اگر بخواهیم مقایسه کنیم بین اشرف غنی افغانستان و زلینسکی اوکراین، می‌بینیم که ارتش روسیه تا پشت دروازه‌های کی‌یف پیشروی می‌کند اما زلینسکی شهر را ترک نمی‌کند، اما اگر این درک را داشت که بتواند جلوی جنگ را بگیرد خیلی بهتر بود تا اینکه اکنون در میانه جنگ، مقاومت قهرمانانه از خود نشان دهد. از این جهت قضاوت در مورد زلینسکی سخت است چرا که باید جنبه‌های منفی و مثبت آن را درنظر گرفت.

با توجه به اینکه ۲۰درصد خاک اوکراین در دست روسیه است، آیا روسیه این میزان را کافی می‌داند یا باز هم پیشروی خواهد کرد؟
اینکه روس‌ها بقیه سرزمین اوکراین را بخواهند بستگی به جنگ دارد. اگر غرب آنچه روس‌ها می‌خواهند را بپذیرد، که با همین ۲۰درصد که روس‌ها تصرف کرده‌اند، به مصالحه می‌رسند. اگر نه، روس‌ها با یک وقفه، استراحت چند ساله و بازسازی دوباره نیروهای خود، جنگ را آغاز خواهند کرد. همانطور که در سال ۲۰۱۴ کریمه را گرفتند و در سال ۲۰۲۲ به‌سوی ۴استان دیگر حرکت کردند، ممکن است ۴سال در حالت نه جنگ نه صلح باقی بمانند و دوباره حمله کنند.

اساسا می‌توان نتیجه این جنگ را پیش‌بینی کرد؟
من معتقدم که دغدغه روس‌ها سرزمین نیست، دغدغه روس‌ها امنیت است. اگر نگرانی‌های امنیتی روس‌ها برطرف شود امکان اینکه اوکراین بتواند سرزمین خود را حفظ کند و بخش‌هایی از دست رفته را پس بگیرد، وجود دارد. در مورد پایان جنگ نیز، به‌نظر می‌رسد هر دو طرف این جنگ در موقعیتی قرار گرفته‌اند که حیات و ممات خود را به پیروزی در آن گره می‌زنند. روس‌ها معتقدند که اگر در این جنگ شکست بخورند، همه‌چیز را از دست خواهند داد و تمدن روس نابود می‌شود. بحث بر سر زمین و برای مثال ۱۰۰هزار کیلومترمربع از خاک اوکراین نیست، چون روسیه آنقدر زمین دارد که زمین‌های اضافه تأمین‌کننده خواسته‌اش نیست. روس‌ها معتقدند که اگر در اوکراین شکست بخورند، باید تا ولادی‌وستوک عقب‌نشینی کنند. از این جهت در این جنگ می‌مانند و این جنگ برای آنها به جنگ مرگ و زندگی تبدیل شده است. حتی اگر آقای پوتین به هر دلیلی به مرگ طبیعی، کودتا، سرنگونی یا ترور حذف شود، این برداشت که اگر الان عقب‌نشینی کنند، تمدن خود را از دست می‌دهند در بین روس‌ها وجود دارد.
غربی‌ها هم همین تصور را دارند که اگر در دونباس شکست بخورند، آن وقت در برلین، پاریس، لندن و بروکسل باید با روس‌ها بجنگند. از این جهت برای غرب هم پیروزی موضوعی حیاتی است. فعلا چشم‌اندازی برای نتیجه جنگ وجود ندارد و به‌نظر می‌رسد این جنگ طولانی‌مدت خواهد بود. اکنون در آستانه یک سالگی آن هستیم. شاید جنگ تا ۳ یا ۴ سال طول بکشد. حتی این خطر وجود دارد که اگر روس‌ها احساس شکست کنند یا وزنه غرب آنقدر سنگین شود که شکست نظامی را به روس‌ها تحمیل کند، آنها به سمت استفاده از سلاح اتمی بروند. این جنگ بسیار سرنوشت‌ساز است و حداقل می‌تواند ۵۰ سال آینده نظام بین‌الملل را رقم بزند و پایانش فعلا قابل تصور نیست.

آیا فکر می‌کنید آمریکا هم روی موضع خود باقی خواهد ماند و این جنگ را رها نخواهد کرد؟
این جنگ خواسته یا ناخواسته برای گرفتار کردن روسیه طراحی شد؛ به قول خودشان برای اینکه دندان‌های روسیه را بکشند و اقتصاد روسیه را زمینگیر کنند، هزینه‌های سنگین جنگ را به کشوری که در رده کشورهای ثروتمند جهانی است تحمیل کنند، بازارهایش را به تصاحب خود درآورند. به عقیده برخی آمریکایی‌ها این جنگ را به‌عنوان یک دام طراحی کردند. بنابراین آمریکایی‌ها تا زمانی که به اهداف خود، به‌خصوص در حوزه انرژی نرسند، بعید است حاضر به مصالحه شوند. اکنون اختیار جنگ در دست زلینسکی نیست بلکه در دستان آمریکا و ناتو است و آنها تصمیم می‌گیرند که مذاکرات و توافق حاصل شود یا خیر. فعلا غرب به رهبری آمریکا آماده هیچ مصالحه‌ای نیست مگر که شکست روسیه صورت گیرد.

مناقصه عمومی
شرکت خدمات انفورماتیک نوین کیش (سهامی خاص) در نظر دارد تامین تجهیزات مورد نیاز ...

آگهی برگزاری مناقصه عمومی
سازمان اتکا
شرکت کشت و صنعت شادان
از شرکت های زیر مجموعه سازمان اتکا در نظر دارد ...

آگهی مناقصه
اداره بهداشت، امداد و درمان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد ...
اداره بهداشت، امداد و درمان نزاجا

به زمین خوردن دلقک

رئیس‌جمهور اوکراین در مسیر تقابل غرب با روسیه، مردم و کشورش را فدای بی‌تدبیری سیاسی خود کرد

گزارش ۲

برآوردها از آمار قربانیان جنگ در اوکراین متفاوت است، اما به‌نظر می‌رسد تا به اینجا، یعنی یک سال پس از آغاز جنگ، بیش از ۲۰۰هزار کشته و بیش از ۱۳میلیون آواره روی دست دو طرف مانده باشد؛ وضعیتی که اگر سیاسیون اندکی برای آن اهمیت قائل بودند، می‌توانست رخ ندهد. یک پای این جنگ مرگبار، «ولادیمیر پوتین» است که سربازان روس در نخستین ساعات روز پنجشنبه ۲۴فوریه ۲۰۲۲ (۵اسفند ۱۴۰۰) از خطوط ناآرام مرزی عبور کردند و وارد خاک اوکراین شدند. پای دیگر این بحران اما «ولودیمیر زلینسکی» است که اکنون در آستانه یک سالگی جنگ خونین اوکراین، می‌توان اثرگذاری او را هم قضاوت کرد. گلوله‌های روسی به دستور پوتین بر سر مردم بی‌دفاع اوکراین فرود آمدند، اما بدون شک، زلینسکی می‌توانست مانع آن شود. از چندماه قبل، رفته‌رفته تجمع نیروهای نظامی روسیه پشت مرزهای شرقی و شمالی اوکراین افزایش پیدا می‌کرد. همه‌چیز از آغاز قریب‌الوقوع یک جنگ تمام عیار، از زمین، هوا و دریا علیه اوکراین خبر می‌داد. در کی‌یف اما کمدینی که از حدود ۳سال قبل به کرسی ریاست‌جمهوری رسیده بود، گویی اصرار داشت این صف‌آرایی را نبیند یا جدی نگیرد. او نگاهش به غرب بود و همچنان بر عضویت کشورش در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تأکید داشت؛ همان خواسته‌ای که روسیه از ماه‌ها قبل نسبت به آن هشدار داده بود. جنگ که آغاز شد، زلینسکی در برابر اروپایی‌هایی که برای استقامت او هورا می‌کشیدند، خواسته‌ای دیگر را هم مطرح کرد. خواسته دیگر او پذیرش فوری اوکراین در اتحادیه اروپا بود. این در حالی بود که اوکراینی‌ها به‌خاطر سیستم به‌شدت فاسد سیاسی و اقتصادی‌شان، پشت درهای این سازمان نگه داشته شده بودند. یک سال از آن روزها گذشته، بخش اعظم زیرساخت‌های اوکراین نابود شده، صدها هزار نفر کشته شده‌اند اما کی‌یف نه در ناتو و نه در اتحادیه اروپا هنوز صاحب هیچ کرسی نشده است.
تکلیف عضویت در اتحادیه اروپا را دوستان اروپایی اوکراین خیلی زودتر از ناتو مشخص کردند. ۳ماه پس از آغاز جنگ، وزیر وقت امور اروپای فرانسه به کانال «رادیو جی» این کشور گفت که هرگونه تلاش برای پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا حداقل ۱۵ تا ۲۰ سال طول می‌کشد. کلمنت بوون جزو معدود سیاستمداران اروپایی بود که آن زمان بدون تعارف با اوکراینی‌ها سخن گفت. او گفت: «باید صادق باشیم. اگر بگوییم اوکراین تا ۶ماه یا یک یا ۲ سال دیگر به اتحادیه اروپا می‌پیوندد، دروغ گفته‌ایم؛ این روند خیلی بیشتر از اینها طول می‌کشد.» کلمنت بوون که تا سال ۲۰۲۲ در این سمت بود، آن زمان به تأکید گفت که نمی‌خواهد به اوکراینی‌ها وعده بی‌جا بدهد و دروغ بگوید.
این رویکرد صادقانه وزیر فرانسوی را اما بسیاری از دیگر سیاستمداران اروپایی نداشتند. در خلال جنگ، رهبران اروپایی از جمله رئیس شورای اروپا و کمیسیون اروپا بارها به کی‌یف سفر کردند، اما در تعاملات خود با اوکراینی‌ها، به موضع‌گیری‌های دیپلماتیک بسنده کرده و این تصور را همچنان حفظ کردند که اوکراین قرار است به‌زودی به عضویت اتحادیه اروپا درآید. شاید تصور خیلی‌ها در جهان هم همین بود؛ اینکه حالا که اوکراینی‌ها به نیابت از غرب، قربانی یک جنگ تمام‌عیار با روس‌ها شده‌اند، عضویت در اتحادیه اروپا کمترین چیزی است که اروپایی‌ها می‌توانند به اوکراین هدیه بدهند؛ اقدامی که می‌توانست مردم این کشور را لااقل به آینده اقتصادی بهتر امیدوار کند. این اقدام اما هرگز رخ نداد.
عضویت در ناتو اما مسئله پیچیده‌تری بود که رئیس‌جمهور اوکراین کمی دیرتر درخواست رسمی آن را مطرح کرد. ۷ماه پس از آغاز جنگ، زمانی که مسکو نیروهای خود را بر جنگ در مناطق شرقی اوکراین متمرکز و ۴منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا را رسما به روسیه الحاق کرد، ولودیمیر زلینسکی درخواست عضویت در ناتو را مطرح کرد. این درخواست با استقبال کشورهای اروپای شرقی عضو ناتو روبه‌رو شد، اما اعضای اصلی از جمله آمریکا اعلام کردند که درخواست زلینسکی به بررسی‌های بیشتر نیاز دارد. دست‌کم ۴دلیل می‌توان برای استقبال سرد غرب از خواسته کی‌یف برشمرد. اول اینکه اوکراین اکنون درگیر یک جنگ است. براساس ماده ۵پیمان ناتو، اگر یک کشور عضو مورد حمله قرار گیرد، دیگر اعضا باید به کمک متحد خود بروند. این بدان معناست که اگر اوکراین به عضویت ناتو درآید، این سازمان و کشورهای عضو عملا وارد جنگ با روسیه شده‌اند؛ مسئله‌ای که می‌تواند به راحتی جهان را وارد جنگ جهانی سوم کند. دوم، غربی‌ها خود می‌گویند که اوکراین در شرایط کنونی به عضویت در ناتو نیازی ندارد؛ چرا که ناتو عملا متعهد به حمایت از اوکراین است و طی ماه‌های گذشته با ارسال سلاح و تجهیزات و همچنین حمایت اطلاعاتی از یگان‌های رزمی این کشور، این تعهد خود را اجرایی کرده است. سوم، اوکراین براساس ضوابط ناتو، هنوز آمادگی عضویت در این سازمان را ندارد؛ آمادگی‌ای که شامل اجرای استانداردهایی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی است. چهارم، عضویت اوکراین در ناتو نیازمند رأی مثبت تمامی ۳۰عضو این سازمان است؛ موضوعی که به هیچ وجه نمی‌توان از عملی شدن آن اطمینان داشت. دست‌کم رأی مجارستان به عضویت اوکراین در ناتو منفی است. ۲ کشور همسایه سال‌هاست که با یکدیگر دارای اختلافات عمیق بر سر اقلیت مجارهای ساکن اوکراین هستند. غیر از این، مجارستان جزو معدود کشورهای اروپایی است که همچنان روابط خوبی با روسیه دارد.

اوکراینی‌ها قربانی بی‌تدبیری سیاسی

«ولودیمیر الکساندرویچ زلینسکی» در سال ۱۹۷۸ از پدر و مادری یهودی در شهر کریفیی ریه، در شرق اوکراین متولد شد. او از دانشگاه اقتصاد ملی کی‌یف در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد، اما به عرصه تولیدات برنامه‌های تلویزیونی کمدی وارد شد. او برای شبکه خصوصی متعلق به ایگور کولوموسکی، میلیاردر اوکراینی و استاندار سابق استان دنیپروپتروفسک کار می‌کرد؛ فردی که بعدا در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری از او حمایت مالی کرد.
ورود زلینسکی به صحنه سیاست به نوعی تقلید زندگی واقعی از دنیای هنر بود. او در سال ۲۰۱۵ به‌عنوان بازیگر کمدی با بازی در سریال تلویزیونی «خادم ملت» در نقش رئیس‌جمهور اوکراین ظاهر شد و به شهرت رسید. او در این سریال محبوب، نقش معلم مدرسه‌ای را بازی می‌کرد که تصادفی رئیس‌جمهور شد. این نقش اما بعدا جدی شد و زلینسکی با تاسیس یک حزب سیاسی با نام «خادم ملت» و با شعار مبارزه با فساد وارد انتخابات ریاست‌جمهوری شد. بسیاری ابتدا نامزدی او را در انتخابات سال ۲۰۱۹ شوخی تلقی می‌کردند، اما زلینسکی ۴۱ساله با کسب ۷۳ درصد آرا پیروز انتخابات شد. او وعده صلح در مناطق شرق اوکراین را هم داده بود، اما بی‌درایتی او در مدیریت امور سیاسی و استراتژیک اوکراین در همین مناطق، یک کشور ۴۳میلیون نفری را به کام جنگ فرو برد. غیر از ماجرای انتخابات، زلینسکی یک‌بار دیگر هم خوش درخشید؛ زمانی که موشک‌های روسی یکی پس از دیگری در پایتخت فرود می‌آمد و آقای رئیس‌جمهور برخلاف تصور بسیاری در ساختمان ریاست‌جمهوری ماند و از کشور فرار نکرد. زلینسکی مقابل پوتین ایستاد و به قهرمان غرب تبدیل شد. او غیر از این، دستاوردهای دیگری نیز داشته است. یک سال است که سیاسیون غربی، به‌خصوص آمریکایی، ایستاده برای او کف می‌زنند و رسانه‌ها در غرب هر روز او را در صدر اخبار نگه داشته‌اند. ایستادن مقابل روس‌ها، چیزی است که آمریکایی‌ها بسیار به آن علاقه دارند. هرچه باشد آنها در جریان جنگ سرد، شعارشان این بود: «آدم بهتر است بمیرد تا اینکه کمونیست شود.» زلینسکی یک قدم هم فراتر رفته است. درست است که روسیه امروز، دیگر آنقدرها کمونیست نیست و بیشتر ویژگی‌های جهان سرمایه‌داری را دارد، اما او مردم و سربازان کشورش را مقابل روسیه قربانی کرده است تا به غرب بگوید که اوکراین دیگر اوکراین کمونیستی نیست.
دلقک برنامه‌های تلویزیونی اوکراین در سال ۲۰۱۹ بر کرسی ریاست‌جمهوری این کشور نشست تا ۳سال بعد، با بی‌کفایتی تصمیم‌های بزرگ سیاسی بگیرد. بی‌کفایتی او در مصاحبه‌ای که ۶ماه بعد از حمله روسیه به اوکراین با روزنامه واشنگتن‌پست داشت عیان است. در این مصاحبه از او پرسیده می‌شود که با توجه به اینکه از چندین‌ماه قبل، از برنامه روسیه برای حمله به اوکراین خبر داشت، چرا آن را با مردم در میان نگذاشت. او پاسخ می‌دهد: «اگر با مردم درباره این حمله قریب‌الوقوع سخن می‌گفتم، بسیاری از کشور فرار می‌کردند؛ اتفاقی که می‌توانست اقتصاد اوکراین را نابود کند و این به‌معنای ماهی ۷میلیارد دلار ضرر مالی بود. به علاوه، اگر شهرها خالی می‌شد، روسیه خیلی زود می‌توانست شهرهای اوکراین را تصرف کند.» یک سال از آن تصمیم می‌گذرد و اقتصاد اوکراین طبق برآوردهای اولیه بیش از ۱۵۰میلیارد دلار آسیب دیده است. صدها هزار نفر هم قربانی شده‌اند و حدود یک پنجم از خاک این کشور تحت اشغال دشمن خارجی است.

چهره

پریگوژین، آشپز یا فرمانده جنگ؟

وقتی یک سال پیش جنگ در اوکراین آغاز شد، در کنار ارتش روسیه، برخی چهره‌های نزدیک به پوتین از جمله رمضان قدیروف، رئیس منطقه خودمختار چچن خود را در قامت یک فرمانده نظامی برای کمک به نیروهای روسیه به میدان اوکراین رساندند. در میانه جنگ اما، علاوه بر قدیروف، یک چهره امنیتی و شبه‌نظامی دیگر با نام «یوگنی پریگوژین» در آسمان جنگ اوکراین ظاهر شد. پریگوژین فرماندهی نیروهای شبه‌نظامی گروه واگنر را برعهده دارد. این گروه به‌عنوان یک ارتش غیردولتی و خصوصی همچنین لقب «اردوی سایه» روسیه را دارد. پریگوژین فرمانده و سهامدار اصلی واگنر است و به‌دلیل ریاست مجموعه رستوران‌های تهیه غذا برای کاخ کرملین، به «آشپز پوتین» معروف است. پریگوژین همچنین سابقه محکومیت و ۹سال حبس کیفری در دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق را نیز دارد. او سال‌ها انتساب گروه واگنر به‌خود را تکذیب می‌کرد، اما براساس گزارش بی‌بی‌سی پریگوژین سرانجام در سپتامبر ۲۰۲۲ و در میانه جنگ اوکراین تأیید کرد که فرماندهی شبه نظامیان واگنر را برعهده دارد. پریگوژین همچنین از چهره اولیگارش روسی به شمار می‌رود که در تجارت داخلی و خارجی این کشور فعال است. فعالیت اصلی او در تجارت در حوزه موادغذایی و صاحب امتیاز چند فروشگاه زنجیره‌ای موادغذایی بزرگ در روسیه نیز است. بنیاد مبارزه با فساد در سال ۲۰۱۷، ثروت پریگوژین را بیش از ۱۳ میلیون دلار تخمین زده است.

داده‌نما

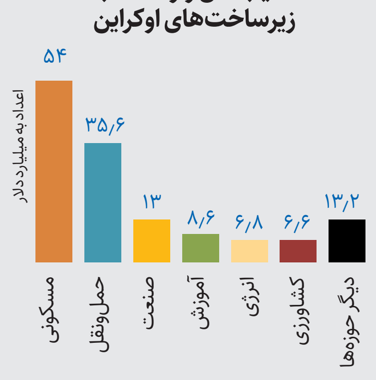

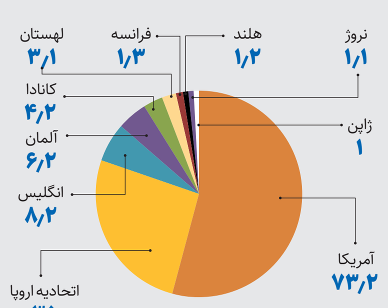

کیوسک

هفته‌نامه تایم [آمریکا]

زلینسکی، قهرمان رسانه‌ای غرب

طی ۱۲ماه گذشته، تحولات مرتبط با جنگ اوکراین، خبر ثابت روزانه بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی بوده است. غربی‌ها با تمام توان رسانه‌ای خود به جنگ با روسیه آمده‌اند و در این مدت ولودیمیر زلینسکی همیشه قهرمان اصلی داستان بوده است. اغلب رسانه‌های غربی تمرکز خود را روی نقش او به عنوان فرمانده میدان در نبرد با روس‌ها گذاشته اند و از همین رو مجله آمریکایی تایم نیز او را به عنوان چهره سال ۲۰۲۲ انتخاب کرد. این مجله نوشت: انتخاب چهره چندان دشوار نبود. ولودیمیر زلینسکی با انجام کاری که در چند دهه گذشته هرگز شاهدش نبودیم، جهان را شوکه کرد. پس از بمباران اوکراین، تصمیم زلینسکی برای ماندن در اوکراین و تلاش برای جلب حمایت‌های بین‌المللی، سرنوشت‌ساز بود. پست ۴۰ثانیه‌ای او در اینستاگرام در روز دوم جنگ که نشان می‌داد او و کابینه‌اش همچنان بر سر کار هستند، نقش مهمی در حفظ صفوف نظامیان اوکراین داشت.